



سخنرانی مریم رجوی در اجلاس جهانی ایران آزاد به سوی یک ایران آزاد

۹ تیر ۱۴۰۳

هموطنان عزیز!

تظاهرات عظیم امروز شما در برلین، امتداد پیروزی مردم ایران در تحریم انتخابات خامنه‌ای است. این خروش مردم ایران خطاب به جهان است که سرنگونی رژیم ولایت فقیه حتمی است و آزادی، دموکراسی و برابری در ایران و صلح در منطقه خاورمیانه برقرار می‌شود. سلام و درود بر مجاهدان آزادی در اشرف ۳، پیشتازان مبارزه و مقاومت و قیام در برابر استبداد دینی!

درود به شورشگران و قیام‌آفرینان در تمام شهرها و روستاهای ایران و مقاومت‌کنندگان در زندان‌های دیکتاتوری دینی و سلام و درود به شما شخصیت‌های گرامی که در این گردهمایی حضور دارید.

انتخابات قلبی آینده درماندگی ولایت فقیه

انتخابات قلبی، برآیند بن‌بست و شکست‌های بزرگی است که دامنگیر رژیم است، زیرا:

۱- مردم ایران بارها به روشن‌ترین صورت اعلام کردند: رأی ما سرنگونی است، در این رژیم جایی برای انتخاب نیست؛ و زمان انقلاب است!

آن روز که رئیسی جلاد ۶۷ به هلاکت رسید، خروش شادی توده‌های مردم، بیان رأی حقیقی مردم ایران بود.

۲- این انتخابات، آینده درماندگی سیاسی و استراتژیک رژیم ولایت فقیه است. یک آخوند خونخوار و ۵ پاسدار تبه‌کار، قبل از هرچیز نمایان‌گر چننه خالی رژیم در مرحله پایانی بود. آمار و ارقام و

حتی تعداد آرای باطله، صحنه بروز زوال پایگاه اجتماعی رژیم است. مانیتور و مشاهدات بی‌واسطه از ابتدا تا انتهای نمایش رأی‌گیری و رأی‌سازی از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۲۴ در بیش از ۱۴ هزار شعبه رأی‌گیری توسط هواداران مجاهدین نشان می‌دهد که پتک بزرگ تحریم بر سر رژیم فرود آمده و ۸۸ درصد مردم ایران نمایش انتخابات را تحریم کردند. شرکت‌کنندگان، ۱۲ درصد دارندگان حق رأی و کمتر از ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار هستند. چه آن‌ها که به اختیار رأی دادند چه آن‌ها که با انواع ترفندها به اجبار پای صندوق رای کشانده شدند و چه آن‌ها که رأی باطله و سفید داده‌اند. این «نه» بزرگ به دیکتاتوری و رأی قاطع مردم ایران به سرنگونی و پیام‌آور پیروزی ایران آزاد با جمهوری دموکراتیک است.

۳- حتی طبق آمار بزرگ‌نمایی‌شده رژیم، آمار شرکت‌کنندگان کمتر از، انتخابات رئیسی است و نفس این که کار خامنه‌ای و انتخاباتش دو مرحله‌یی شده نشان ضعف و تشتت در وضعیت آن‌هاست. با این همه

رئیس‌جمهور بعدی که در راه است، شاخص ادامه استراتژی ولایت فقیه است؛ بسیجی قیراندود شده در چهاردهه پیاپی سرکوب و جنگ، دنباله و دنباله‌رو جلا ۶۷، نماینده جنایتکاران موسوم به انصار حزب‌الله و خادم برنامه بمب‌سازی خامنه‌ای است. دوشنبه گذشته خامنه‌ای با وقاحت حداکثری گفت حتی یک ذره زاویه داشتن (طبعاً با خودش) قابل قبول نیست.

۴- اصلاحاتی‌های درون همین رژیم اصلاح ناپذیر، که به گفته سردمدار آن‌ها برای دو - سه کرسی مجلس‌گذاری می‌کنند، این بار برای بالا بردن نرخ مشارکت، مصرف شدند البته با کاندیدایی که وقتی گفتند برنامه‌ات را بگو گفت برنامه و سیاست را خامنه‌ای تعیین می‌کند و عدول از آن برای من خط قرمز است.

۵- موقعیت سرنگونی حکومت آخوندها امروز در چند مخمصه بزرگ پدیدار شده است. از جمله:

- خطر قیام‌های عظیمی که در راه است،
- جام‌زهر هلاکت جلا ۶۷ و ضربه جبران‌ناپذیر آن به استراتژی ولایت‌فقیه،
- گرفتار شدن در باتلاق جنگ در منطقه،
- معضل جانشینی و بی‌آیندگی
- و یک اقتصاد ورشکسته که در حال غرق‌شدن است.

نتیجه این‌که: خامنه‌ای با این انتخابات می‌خواست مشکل جانشینی و بقای نظام را بعد از مرگ خودش حل کند. اما در این هدف شکست خورد و رژیم یک گام بلند به سرنگونی نزدیک شد. این انتخابات از جانشینی خامنه‌ای و حفظ نظام چیده شده بود، اما ابتر ماند. روزهای سیاه‌تر برای حکومت آخوندی در پیش است. شمارش معکوس آغاز شده است.

به سوی ایران آزاد

مقاومت ایران برای ورق‌زدن تاریک‌ترین صفحه تاریخ ایران آماده است. یک جنبش سازمان‌یافته برخاسته از نبرد با دیکتاتورهای شاه و شیخ که به‌زودی وارد شصتمین سال خود می‌شود. جنبشی در رزم و رنج وقفه‌ناپذیر با شکنجه و زندان و حلق‌آویز و تیرباران و خانه‌به‌دوشی دائمی. اما این جنبش ذره‌یی از آرمان آزادی عدول نکرده، محکم و استوار بر سر مواضع خود ایستاده و شایستگی سیاسی و تاریخی خود را برای یک تغییر بزرگ به‌سوی ایران آزاد و به‌سوی یک جمهوری دموکراتیک اثبات کرده است.

رنج و فدای شکنجه‌شدگان و قتل‌عام‌شدگان، پشتوانه حصارها و مرزهای عبورناپذیر این مقاومت با هرگونه استبداد است. نسل مسعود رجوی در برابر جوخه‌های تیرباران و بر سر دارها رودر روی خمینی و خامنه‌ای و استبداد دینی نشان داده که اسلام مجاهدین، دین آزادی است و آزادی همانا، احیای بشریت و انقلابات مغلوب است.

سلطنت مطلقه فقیه

ولیعهد واقعی شاه خمینی بود، منتها عمامه بر سر داشت تا بسا بیشتر بتواند زیر پرده دین، شکنجه کند و خون بریزد. آن هم به‌گفته خمینی با یک سلطنت مطلقه و مادام‌العمر. پس در رژیم ولایت فقیه اصلاً جمهوری و رئیس‌جمهور معنا و جایی نداشته و ندارد. این یک فریب بزرگ است. وقتی که از روز اول طبق قانون اساسی ولایت فقیه، جنگ و صلح، سپاه و ارتش و قضاییه، رادیو و تلویزیون و شورای نگهبان و تعیین سیاست در دست یک آخوند قرون وسطایی است، چطور می‌توان از جمهوری و انتخاب رئیس‌جمهور صحبت کرد؟! آیا این فئودالیسم آخوندی نیست؟

بنابراین هر کس که جمهوری و حاکمیت جمهور مردم را می‌خواهد، هرکس که آزادی و

دموکراسی می‌خواهد، ابتدا باید دیکتاتوری‌های شاه و شیخ را براندازد.
در قانون اساسی رژیم شاه، سلطنت ودیعه و موهبتی الهی است که به شخص شاه و «نسلاً بعد نسل» به اعقاب ذکور او تعلق دارد.[۱]
یعنی دختران هرگز!

در قانون اساسی رژیم آخوندها هم، «ولایت مطلقه امر و امامت امت» قوای مقننه و مجریه و قضاییه را در کنترل دارد.[۲]

و زنان از ولایت و رهبری و از ریاست جمهوری و علاوه بر آن قضاوت ممنوع هستند.
راستی اصلاح کردن این رژیم، چه ماده و معنایی جز برانداختن اصل ولایت فقیه و ملوک الطوائفی نظامی و اقتصادی و سیاسی آن دارد؟ و چرا مجاهدین در دستگاه سیاسی آخوندها و شرکای دور و نزدیک آن‌ها به سرخ‌ترین نام تبدیل شده؟

چون ما ولایت فقیه و قانون اساسی فئودال - دیکتاتوری دینی را تحریم کردیم. چون از فردای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ برای سرنگونی استبداد دینی قیام کردیم و به صراحت گفتیم که چاره کار در سرنگونی این رژیم است؛ سرنگونی سلطنت عمامه‌دار با عنوان ولایت فقیه.

هلاکت رئیسی «جام زهر» برای خامنه‌ای

حالا از این منظر به انتخابات دیروز نگاه کنیم:

رئیسی، جلد ۶۷، نقطه گرهی برای بستن شکاف در رأس هرم قدرت بود. او تضمین استراتژی سرکوب و تروریسم و جنگ‌افروزی بود و تنها گزینه برای به وحدت رساندن «بیت» خامنه‌ای و دولت.

هلاکت رئیسی برای خامنه‌ای یک «جام زهر» بود. البته واضح است که بن بست رژیم دفعته در لحظه هلاکت رئیسی به وجود نیامد؛ در سال ۱۴۰۰ خامنه‌ای رسوایی نشانیدن یک جلد بر صندلی ریاست جمهوری رژیم را به این دلیل پذیرفت که تشخیص داد برای مقابله با شرایط آماده سرنگونی، او آخرین جواب است.

ولی آن‌چه زمینه سرنگونی رژیم را قوام و دوام بخشیده، رشته‌یی از تحولات بزرگ است. از دی ماه سال ۹۶ با عبور از سلسله قیام‌های سال ۹۷ و آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ تا امروز، نسل شورش و انقلاب در خیزش‌های بی‌وقفه در بیش از ۳۰۰ شهر، عزم قاطع خود را با انبوه شهیدان و

زندانیان، برای سرنگونی این رژیم نشان داده است.

عملکرد این نسل و اعتلا و ارتقای آن را هر روز در جانبازی‌ها و پاکبازی‌های کانون‌های شورشی در سراسر میهن اشغال شده می‌بینیم.

جمعبندی خامنه‌ای بعد از قیام‌های ۱۴۰۱ که در روز اول فروردین ۱۴۰۲ در مشهد اعلام کرد، یک فرار به جلو بزرگ بود که در جنگ غزه اثبات شد. خود او آن را تحت عنوان «جبهه مقاومت» اعلام کرد و گفت «ما جبهه مقاومت را اعلام می‌کنیم و صریحاً اعلام می‌کنیم».

به این خاطر است که ما می‌گوییم برای صلح در منطقه باید سر مار جنگ‌افروزی در تهران را نشانه رفت. تنها طرفی که از درد و رنج مردم مظلوم در غزه و مردم بی‌گناه یهود سود می‌برد، خامنه‌ای است. به قول محمود عباس، رئیس دولت فلسطین، رژیم ایران «آشکارا هدفش قربانی کردن خون فلسطینی‌هاست».[۳]

خلیفه جبار ارتجاع، مثل همه دیکتاتورها که در مرحله پایانی از اشتباهی به اشتباه دیگر درمی‌غلتنند، سه اشتباه استراتژیک مرتکب شد: با کشتار وحشیانه آبان ۹۸ و پائیز ۴۰۱ تخصصی جامعه با رژیم را به نقطه بی‌بازگشتی رساند، با خالص‌سازی ارتجاعی حکومتش، آن را دچار حداکثر شکنندگی کرد و با غلتیدن به باتلاق جنگ در خاورمیانه، رژیم را به لبه پرتگاه رساند. این است موقعیت سرنگونی و حتمیت سرنگونی.

روزهای سیاه رژیم آخوندی در پیش است و شمارش معکوس آغاز شده است.

نظرگاه‌های ما

اکنون چشم خلق و تاریخ به جایگزین دموکراتیک است که اوضاع کنونی را چگونه دگرگون می‌کند؟

رودرروی خمینی و مقلدان تاریخی او که از سر فریبکاری مواضع خود را درباره مهم‌ترین امور سیاسی و اجتماعی مبهم نگه می‌دارند، یا به آینده نامعلوم احاله می‌دهند، ما برآنیم که نظرگاه‌های خود را هر چه روشن‌تر بیان کنیم.

آن مقصد پرشکوه و آن جامعه و مناسباتی که می‌خواهیم، جامعه‌ی است‌رها شده از فرهنگ شاه و شیخ، رها شده از استبداد و وابستگی، رها شده از تبعیض و غارتگری و رها شده از هرگونه تحمیل و اجبار.

ما نمی‌خواهیم قدرت حاکم کنونی را با قدرتی دیگر جایگزین کنیم. بلکه می‌خواهیم این قدرت و حاکمیت را به صاحبان واقعی یعنی جمهور مردم ایران منتقل کنیم.

پایه و اساس ۶ دهه مبارزه خونین انقلابی و مقاومت طولانی و بغرنج ما در سه جمله خلاصه می‌شود:

– اتکای بی‌شکاف به خلق و نیروی رزم‌آورش در استراتژی مبارزاتی‌مان یعنی همان اصل کس نخارد،

– مرزبندی با شاه و شیخ، به‌مثابه شالوده جایگزین دموکراتیک و مستقل، یعنی شورای ملی مقاومت ایران،

– و همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد دینی و برپایی یک جمهوری دموکراتیک با جدایی دین از دولت.

در سال ۱۴۰۱ در آن قیام بزرگ، نیروهای جبهه خلق بر سر شعار مرگ بر ستمگر چه شاه باشه، چه رهبر، هم‌صدایی و اشتراک عمل و نظر خود را نشان دادند.

دو هفته پیش خبرگزاری رسمی رژیم از مجاهدین ایراد گرفته بود که خودشان «حجاب دارند اما شعار کشف حجاب سر می‌دهند»!

درد رژیم این است که گفته‌ایم: نه به حجاب اجباری نه به دین اجباری و نه به حکومت اجباری و گفته‌ایم زنان «نیروی تغییر» و «زن، مقاومت، آزادی».[۴]

دعوی حجاب و بی‌حجاب یا بدحجاب، ساخته و پرداخته آخوندهاست. هدف، سرکوب و تفرقه و ارباب است. البته زنان ایران حرفشان را زده‌اند: چه باحجاب، چه بی‌حجاب، پیش به سوی انقلاب.

پاسخ نهایی مردم ایران

قیام‌های ایران در چند سال اخیر، هم استراتژی قیام و سرنگونی را نشان داده هم نیروی پیشران آن را.

بگذارید هر چه می‌خواهند به مبارزه و مقاومت حق طلبانه مردم ایران و فرزندان رشید این میهن برچسب خشونت‌طلبی بزنند، اما بعد در مورد مجیدرضا رهنورد یا نوید افکاری و سایر قهرمانانی

که مزدوران را به‌سزای اعمالشان رساندند، مجیزگویی کنند و جشن تولد هم بگیرند!

راستی برای خامنه‌ای چه هدیه‌یی از این بهتر که مبارزه با رژیمش به خشونت‌طلبی متهم شود؟

مگر چکیده پرونده چند هزار صفحه‌یی بی‌دادگاهی که در یکسال گذشته در تهران برای ۱۰۴ تن از اعضای مقاومت تشکیل شده، همین نیست؟

البته مردم ایران با پتک قیام و سرنگونی، پاسخ نهایی و ضروری را به‌خامنه‌ای ضحاک خواهند داد. سیاست مماشات، مشوق رژیم در تروریسم و سرکوب

رژیم مرگ‌زده در محاصره جامعه ایران قرار گرفته، اما سیاست دولت‌های غرب هم‌چنان بر پاشنه مماشات می‌چرخد. از این روست که باید دکان این سیاست را تخته کرد. به آن چه اتفاق افتاده نگاه کنیم:

در آمریکا تصمیم می‌گیرند که بیش از صد میلیارد دلار دارایی ایران را به جیب رژیم بریزند، راه فروش نفت را به سود تأمین مالی سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی‌اش باز کنند و به جنگ‌افروزی او با استمالت پاسخ بدهند.

در بلژیک دیپلمات تروریست بمب به‌دست را دو دستی تقدیم آخوندها می‌کنند. در حالی که از قبل هم گفته بود که قرار بر این است که رژیم او را با گروگانگیری پس بگیرد!

در سوئد یک دژخیم قتل‌عام را به‌رغم محکومیت به حبس ابد، سریعاً در یک جلسه هیأت دولت، عفو می‌کنند و دو دستی تقدیم رژیم می‌کنند تا به‌گردنش حلقه گل بیندازد! آیا این به‌سخره گرفتن قانون و دموکراسی و عدالت نیست؟

دیدیم که یاران شورشگر برای خنثی کردن سناریو و طرح و برنامه وزارت اطلاعات در این پرونده، ۲ سال و ۲ ماه، در تظاهرات و تجمع و اقدامات اعتراضی بودند. گاه در سرمای ۲۰ درجه زیر صفر در باد و برف و بوران. به‌این یاران شورشگر و اشرف‌نشان درود می‌فرستیم.

بگذارید بگویم که آقایان! شما می‌توانید از خون سربه‌داران ببخشید، اما مردم ایران نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند.

در فرانسه هم، برای خوشامد رژیم و به خواست رژیم و عواملش، صفحات روزنامه‌شان را از جعلیات و لجن‌پراکنی مزدوران وزارت بدنام پر می‌کنند آن هم تحت نام کودکان ۳۴ سال پیش در جنگ کویت که جان آن‌ها را البته سازمان مجاهدین نجات داده است. با فاصله کمی بعد از این، تحت عنوان ضوابط ایمنی به یک ساختمان پشتیبانان مقاومت می‌ریزند و به‌جای سفارت رژیم، آن‌جا را بازدید و بازرسی می‌کنند! عجب! این از قضا همان ساختمانی است که پارسال در همین ایام دو بار مورد حمله تروریستی مسلحانه عوامل رژیم قرار گرفت.

بعد هم معاون قضائیه جلادان وقاحت را به آن جا می‌رساند که می‌گوید ما این عملیات را در این ساختمان مستقیماً رصد می‌کردیم! یک روزنامه فرانسوی با طنز در این باره نوشت:

«آیا او به دوربین‌های پیاده‌روی پاسبان‌های فرانسه وصل بوده است؟!» [۵]

نگو که باز هم رژیم دارد مشوق گروگانگیری‌اش را دریافت می‌کند. از این جا خطاب به دولت‌های مماشاتگر می‌گوییم:

آقایان! این سیاست شما، مشوق رژیم در تروریسم و گروگانگیری و اعدام و سرکوب است. نمونه‌اش هم سوقصد به پروفیسور آخو ویدال کوادراس در روز روشن، در آبان گذشته در مادرید است. تکرار می‌کنم آقایان! شما با سیاست مماشات، این رژیم را به بمب اتمی نزدیک کردید، شما راه جنگ افروزی خامنه‌ای در منطقه را گشودید، آخوندها را چنان جری کردید که مردم اوکراین هم به فریاد آمدند.

سال‌های سال رسانه‌های خود را با این دروغ بزرگ پر کردید که فاشیسم دینی آلترناتیوی ندارد و باید با آن کنار آمد. اما محال است بتوانید این حکومت مرگ‌زده را سر پا نگهدارید و از سقوط حتمی آن جلوگیری کنید.

خوشبختانه هزاران تن از نمایندگان و منتخبان مردم اروپا و آمریکا در کنار مردم ایران و برنامه اعلام شده ما برای یک ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک قرار دارند. در این جا می‌خواهم یاد سناتور لیبرمن فقید را گرامی بدارم که سیاست را با شرافت درهم آمیخته بود. او در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: این رژیم جنایتکار است. و براساس بیانیه حقوق بشر، مردم ایران حق دارند که علیه این رژیم قیام کنند. درود بر سناتور لیبرمن.

مقاومت رمز پیروزی

هموطنان عزیز!

شما در بزرگ‌ترین آزمایش تاریخ خود در برابر یک استبداد مذهبی سرفرازید. زیرا نیروی مقاومت و فتح و آزادی رادر اراده‌های خود دارید.

هم‌چنان که مسعود رجوی، راهبر این مقاومت گفته است: از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد، ما اعتبار وجود خود و خلق و انقلاب‌مان را در این فرمول کلیدی یافته‌ایم که به‌گونه‌ی انقلابی و سراسری

مقاومت می‌کنیم و بهای سرخ و خونین آن را به‌اعلا درجه می‌پردازیم.
مقاومت، حق مشروع مردم تحت ستم است. مقاومت، رمز پیشروی و پیروزی است. زیر سلطه یک
اختناق وحشی، مقاومت رمز ایستادن، سازمان دادن، پیش رفتن، امیدها را زنده کردن و برای
آزادی راه‌گشودن است.
در این مسیر، فرزندان مجاهد شما، با مقاومتی بی‌نظیر، از همه چیز خود گذشته‌اند تا آزادی را
برای مردم ایران به ارمغان بیاورند.
با همین امید وایمان شما هموطنانم را فرامی‌خوانم:
شما مردم ایران که می‌خواهید آزاد باشید، شما زنان شجاع که ترس را شکست داده‌اید و شما
جوانان شورشگر که شب تیره میهن را با رزم‌تان روشن می‌کنید، به‌پاخیزید و با رزم و مقاومت
پیروزی بسازید.
پیش به‌سوی مقصد مقصدها، مقصد آزادی و رهایی مردم ایران.
پیش به‌سوی فتح تهران و آزادی ایران.
می‌توان و باید ایران را آزاد کرد.

[۱] - اصول ۲۵ و ۳۶ متمم قانون اساسی رضاشاه

[۲] - اصل ۵۷ قانون اساسی ولایت فقیه

[۳] - رویترز - ۱۴ خرداد ۳-۱۴۰۳ ژوئن ۲۰۲۴

[۴] - ایرنا - ۲۴ خرداد ۱۴۰۳

[۵] - روزنامه کانارانشنه - ۳۰ خرداد ۱۴۰۳